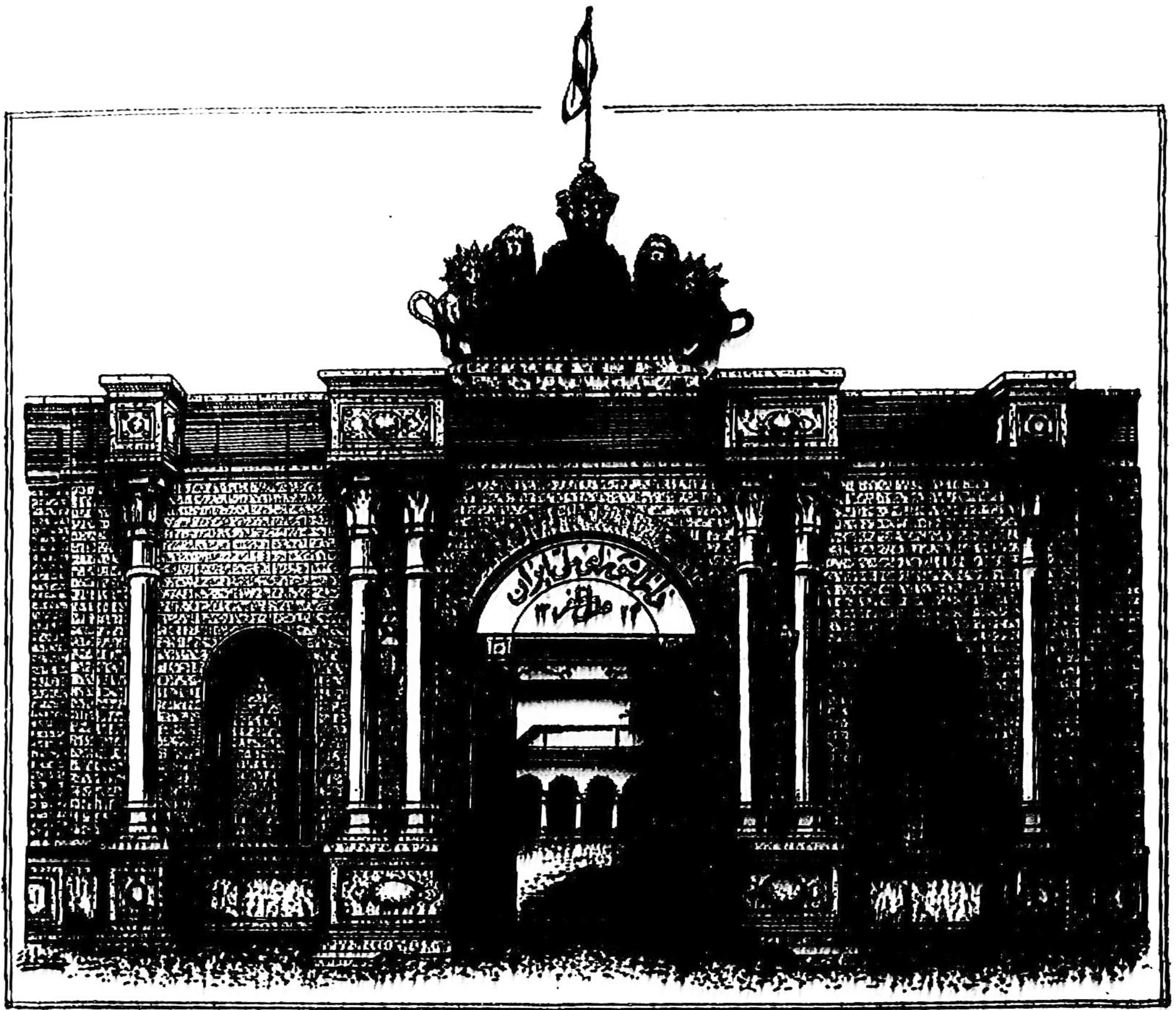


دوره ششم تقنینیه

<p>جلسه ۲۱۶</p>	<h1>مذاکرات مجلس</h1>	<p>شماره ۱۸۱</p>
<p>تاریخ تأسیس آذر ۱۳۰۵ جلسه لیله سه شنبه ۸ اسفند ماه ۱۳۰۶ مطابق ۶ رمضان المبارک ۱۳۴۶</p>	<p>مندرجات فقط شامل مذاکرات مشروح جلسات مجلس شورای ملی خواهد بود پس از ختم هر جلسه کلیه مذاکرات در یک شماره منتشر میشود. مطبعة مجلس</p>	<p>قیمه اشتراک داخله ایران سالبانه ده تومان خارجه « دوازده تومان قیمه تک شماره یک قران</p>

فهرست مندرجات

شماره	عنوان	از صفحه	الی صفحه
۱	قرائت مراسمه جمعی از آقا بان نمایندگان دوره اول مجلس راجع بتقاضای پرداخت حقوق معوقه خود	۲۷۵۴	۲۷۵۵
۲	اصوب بک فوریت لایحه قانون حکمیت	۲۷۵۵	۲۷۵۶
۳	طرح لایحه دوات راجع به ده هزار تومان اعتبار برای مخارج طبع و حق الزحمه ترجمه قوانین و تهیه لایحه قانون مدنی و اصوب آن	۲۷۵۶	۲۷۶۰
۴	تعقیب مذاکرات و شور ثانی نسبت بنخبه کمیسیون قوانین مالیه راجع به خالصجات انتقالی	۲۷۶۲	۲۷۷۶
۵	قانون اجازه مصرف ده هزار تومان برای مخارج طبع و حق الزحمه ترجمه قوانین و تهیه و طبع لایحه قانون مدنی	۲۷۷۷	



مذاکرات مجلس

دوره ششم تقنینیه

صورت مشروح مجلس ليله سه شنبه ۸ اسفندماه ۱۳۰۶ مطابق ۶ رمضان المبارک ۱۳۴۶

جلسه ۲۱۶

عائین با اجازه جلسه قبل
آقaban: محمود رضا - بحیبي خان زنکنه
غائبین بی اجازه جلسه قبل
آقaban: اسدی - اعظمی - نظام مافی - بنی سلیمان

(مجلس دو ساعت ونیم از شب گذشته برپاست آقای
پرنیا تشکیل گردید)
(صورت مجلس ليله یکشنبه ششم اسفند را آقای
بنی سلیمان قرائت نمودند)

حاج غلامحسین ملک - اعتبار - میرزا بدالله خان -
دهستانی - قوام شیرازی - م-دوی - بهار - میرزا
حسنخان رائق

دیر آمده با اجازه جلسه قبل

آقای دشتی

دیر آمدگان بی اجازه جلسه قبل

آقایان: سهرابخان - حاج میرزا حبیبالله امین - ابوبخت
فرمند - حاج شیخ بیات - عصر انقلاب - ثقة الاسلامی
میرزا اسدالله خان غامری

رئیس - آقای بهار

بهار - بنده را غائب بی اجازه نوشته اند خواستم
عرض کنم که چند جلسه است غائب هستم علت هم
کسالت مزاج بوده است و به مقام ریاست هم عرض
شده است

رئیس - بکمپسیون تذکر داده میشود. صورت مجلس
ایزادی ندارد.

(گفتند خیر)

رئیس - بکرقعه از طرف آقایان وکلاء دوره اول مجلس
عرض شده است کمپسیون عرایض رای داده است که
در مجلس قرائت شود

(بشرح ذیل قرائت شد)

مقام منبع رفیع ریاست محترم مجلس مقدس شورایی ملی
شید الله ارکانه

چون تقریباً سه سال میباشد که جناب مستطاب
آقای مدیرالاسلام وکیل اینجانبان برای اخذ حقوق حقه
نمایندگی دوره اول با زحماتی متحمل شده تا در اداره
مباشرت مجلس بر حسب تصویب هیئت رئیسه و امر
ریاست مجلس برای تشخیص حقوق کمپسیون تشکیل گردید
تا آنکه اسنادی که لازم است بدست آورده معین نمایند
بعد از زحمت زیاد مطابق رای کمپسیون که مرکب از
وکلاء دوره اول و پنجم بود مقرر شد سؤالاتی از وکلای

زودتر به این امر خانه داده جمعی را متشکر و آسوده
فرموده تا رفع نگرانی شده و بیش از این اسباب مزاحمت
فراموش شود

رئیس - آقای آقا سید یعقوب: راجع بدستور مطلبی
داشتید ؟

آقا سید یعقوب - بنده خواستم عرض کنم که از
طارس بما راجع به يك مسئله فوق العاده مراجعه میکنند
که مسئله راه شیراز به بوشهر و راه شیراز به اصفهان
است که از آنجا به ما نوشته اند نمایندگی اصفهان هم
اقدام دارد در روزنامه ها هم نوشته میشود که پول
زیاد آمده است از راه و نتوانسته اند بمصارف دیگری
برسانند عرض میکنم که جنوب هم جزو ایران است
راه شیراز را اگر حقیقه دست بهش نمیزدند بهتر بود چند
دفعه همه مان سؤال کرده ایم مخصوصاً از مقام ریاست
تقاضا میکنیم که تذکری بدهند برای جواب این موضوع
حاضر شوند

رئیس - فرمودید راجع به دستور است

آقا سید یعقوب - دستور مهمتر از این نمیشود
وزیر عدلیه - دو لایحه است که تقدیم میکنم یکی
راجع است به حکمیت این لایحه چندین جلسه در کمپسیون
قبل از اینکه اصلاً تقدیم مجلس شود درش بحث شده
و دقت شده است و چون يك مشورت فوق العاده زیادی
درش شده است و از طرف دیگر وقت کمپسیون عدلیه
هم طوری است که عنقریب تمام خواهد شد (چهاردهم
فروردین) این است که بنده تقاضا کردم يك شوری
باشد یعنی برود بکمپسیون و بیاید در مجلس

یکی دیگر يك لایحه ایست که ده هزار تومان از برای
ترجمه و طبع قوانین که داریم آن را هم تقاضا میکنم آقایان
موافقت بفرمایند که امشب تمام شود

رئیس - مقدم قرائت میشود بعد در فوریتش رأی
میگیریم

(بشرح ذیل قرائت شد)

ساختن مقدس مجلس شورایی ملی قابل انکار نیست
که عیب اساسی اشکیالات قضائی امروز عالم بطوء جریان است
قطع و فصل سریع دعاوی را از آماده زمین دستکاه
قضائی دنیای حاضر توقع نمیتوان داشت کندی لازمه تعدد
چرخ های قضاوت سبک جدید است و شاهد این مدعا
آنکه محاکمات کهن سال بیش و کمی همه جائی است
طریق سهل و ساده که بشر تا کنون برای فرار از
پیچ و خمهای قضاوت پیدا کرده طریق حکمیت است و
بس تجربه کسانی که برای رفع اختلافات خود باین وسیله
ملتجی شده اند بر صحت کامل این عقیده شهادت میدهد
نظر به این مقدمه کوتاه - با آنکه بسهولت دلائل بسیار
دیگر اقامه میتوان کرد مواد ذیل را با قید يك فوریت
تقدیم داشته و تصویب آن را تقاضا مینماید

ماده اول - هر گاه یکی از متداعیین محکمه صلح
و بدایت یا تجارت از محکمه تقاضا کند قطع دعوی
بطریق حکمیت انجام گیرد محکمه طرف دیگر دعوی را
موافقت با این تقاضا تکلیف خواهد کرد

در صورت موافقت مطابق مواد ۷۵۷ تا ۷۷۹ اصول
محاکمات حقوقی در صورت عدم توافق مطابق مواد ذیل
رفتار خواهد شد مشروط بر اینکه تقاضای حکمیت تا
جلسه اول محاکمه بعمل آمده و دعوی در آن محکمه بدایتاً
طرح شده باشد

رئیس - مواد قرائت شود ؟

(بعضی گفتند خیر)

بدست و سه ماده است. علاوه بر این قرائت مواد
در فوریت مؤثر نیست

جمعی از نمایندگان - صحیح است

رئیس - آقای شریعت زاده

شریعت زاده - موافقم

رئیس - آقای باستانی

یاسائی - موافقم

رئیس - آقای رفیع

رفیع - موافقم

رئیس - مخالفی ندارد؟

(گفتند خیر)

رئیس - رأی میگیریم به فوریت یعنی يك شور

آقایانیکه موافقت قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد لایحه دیگر راجع بکمیسیون

بودجه است. لوابجی که راجع بکمیسیون بودجه است

يك شور بیشتر ندارد

وزیر عدلیه - بلی يك فوریت تقاضا کرده ام که

در مجلس مطرح شود

(ماده واحده بشرح ذیل قرائت شد)

ماده واحده - وزارت مالیه مجاز است مبلغ ده هزار

تومان از محل عایدات موجوده تمهید نشده سنه ۱۳۰۶

برای مخارج طبع و حقوق الزمه ترجمه قوانین لازمه و حقوق الزمه

نهییه و طبع لایحه قانون مدنی مطابق تشخیص ودرخواست

وزیر عدلیه مصرف نماید؟

رئیس - آقای دادگر

دادگر - بنده موافقم

رئیس - آقای آقا سید یعقوب مخالفید؟

آقا سید یعقوب - بله اینجا مقام ریاست هم اشاره

فرمودند که لایحه بودجه يك شوری است بنده خواستم

از آقای وزیر عدلیه تقاضا کنم که این لایحه را اجازه

بدهند برود در کمیسیون بودجه و در آنجا مطرح شود

که يك شرح مفصلي در این باب داده شود درست است

اینجا بر سبیل اجمال است بنده میخواستم اساساً تقاضا

کنم از آقای وزیر عدلیه که لوابج مالی را داخل در

فوریت نکنند. حالا اگر يك لایحه راجع بمخارج عده

لایحه که می آید به مجلس بکمیسیون بودجه
برود و آقایان اعضاء محترم کمیسیون در اطرافش مطالعه
کنند مذاکره کنند بعد بیاید در مجلس و تصویب شود
بعلاوه این يك کار فوری فوری نیست که اگر چنانچه
ما امشب این را رأی ندهیم فوت شود و البته کسی
مخالف با این قانون نیست ولی البته بایستی جریان قانونی
خودش را طی کند لهذا بنده عقیده ام این است
آقایان موافقت فرمایند که این لایحه برود بکمیسیون
بودجه بعد از مطالعه برگردد بمجلس از این جهت
بنده مخالفم

رئیس - رأی گرفته میشود به فوریت آقایان موافقین
قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد اصل مطلب مطرح است.

آقای شریعت زاده

شریعت زاده - بنده موافقم

رئیس - آقای عراقی

عراقی - بنده موافقم

رئیس - آقای شیروانی

شیروانی - بنده موافقم

رئیس - آقای دادگر

دادگر - موافقم

رئیس - آقای کازرونی

کازرونی - بنده موافقم لیکن خواستم سؤال کنم
که این قوانین در کجا طبع میشود بنده نمیدانم دلیلش
چیست؟ که با بودن مطبعه مجلس.....

(همهمه نمایندگان - صدای زنك رئیس)

کازرونی - عجب مراقبه ایست آقا بنده سؤال میکنم
که جواب بدهند بنده انتظارم این است که این قوانین
در ایران و در مطبعه مجلس که بهترین مطابع است طبع

شود اگر چنانچه اینطور باشد بنده مخالفی ندارم
وزیر عدلیه - البته در يك جائی طبع خواهد شد
بنده نمیتوانم به آقا عرض کنم که در مطبعه مجلس خواهد
بود البته در جائی طبع خواهد شد که از حیث قیمت
مناسب و از حیث چاپ هم خوب باشد

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - بنده خیلی متأسفم از اینکه آقای
وزیر عدلیه هر لایحه که بمجلس میآورند تقاضای فوریت
میکنند و هیچ اجازه نمیدهند که این لوابج بکمیسیون
بودجه برود و در آنجا مطالعه شود بنده که يك نفر
وکیل هستم هیچ اطلاع ندارم که این وجه چیست
و بچه مصرف برسد در مسئله فوریتش که بنده مخالف بودم
و نوبت به بنده رسید و گذشت و حالا هم با اصل لایحه
که ده هزار تومان اعتبار داده شود بنده با این مبلغ
مخالفم بجهت اینکه بنده اطلاع ندارم

رئیس - آقای شریعت زاده

شریعت زاده - آقای فیروز آبادی نماینده محترم مخالفتی
که کردند مستند مخالفتشان فقط مسئله بی اطلاعی بود
بنابر این بنده خواستم به آقا اطلاع بدهم البته آقا
در نظر دارند هر ملکیتی که علی رغم جریانات سابقه
میخواهد يك طرز جدیدی بخودش بگیرد و آن ترتیبات
و امتیازاتی که به اراده مجلس شورای ملی لغو شد باید
دائست که برای تکمیل این اراده چه کارها لازم است
از آن جمله تکمیل قوانین است و تهیه قانون مدنی
است که يك کمیسویی از علماء درجه اول مشغول
تهیه اش هستند که این لوابج را بدینا ارائه بدهند و
به این نظر نادر ماه دیگر بطور قطع باید اجرا شود
مجلس هم که رای داد به فوریتش به همین جهت است
بنابر این این يك طرحی است که يك مصلحت های
بزرگی را در ملکیت تأمین میکند و امیدوارم که نماینده
محترم هم اهمیت این موضوع را توجه فرمایند و موافقت
فرمایند

رئیس - آقای مدرس

مدرس - بنده میخواستم سؤال کنم اینکه فرمودند يك چیز هائی طبع بشود. چطور طبع شود؟ خودشان بروند تصنیف کنند و طبع بکنند؟ مخالفم. اگر میکوبند طبع شود. یعنی بعد از اینکه مقامات خودش را سیر کرد طبع شود کاملاً موافقم. لذا می خواهم سؤال کنم که نظرشان چیست؟ و بنده مخالفم از اینکه يك چیز هائی خودشان بروند تصنیف کنند و طبع کنند چرا برای اینکه تصنیفاتی کردند و آوردند در کبیسون که این تصنیفات را اگر من قدرت میداشتم پولی که خرج طبعش کرده بودند ازشان میگرفتم لذا اگر تصنیف جدیدی هم بخواهند بکنند میآورند در کبیسون یا در مجلس هر جا که مقضی قانون است بعد از اینکه سیر قانونیش را کرد البته باید چاپ کرد و منتشر کرد و غیر از این باشد مخالفم زیرا دیدم بعضی تصنیفاتش را که هر چه خرج شده است بمورد نبوده است

وزیر عدلیه - عرض میکنم که يك قسمت از این چیز هائی که باید طبع شود قوانین موجوده است البته تصدیق میفرمائید قوانینی که الان موجود است قوانینی است که از مجلس گذشته بدیهی است قوانین مربوط بعدلیه را باید ترجمه کنند و طبع کنند اینها بجای خودش ولی يك چیزی که اینجا نوشته شده است لایحه قانون مدنی است. لایحه که از برای مجلس تهیه میشود يك وقت دو صفحه است سه صفحه ده صفحه است که میآید به مجلس و يك لایحه مختصری است يك وقت لایحه مهمی است که خودش يك کتاب است و این يك چیزی است که نه تنها وکلاء بلکه سایر مردم هم باید بخوندند و اظهار عقیده در اطراف آن بکنند البته هیچ منکر ندارد که يك لایحه هر قدر در آن مطالعه شده باشد و خوب هم تهیه شده باشد ناوقتی که مجلس رای نداده صورت قانون ندارد و در هر صورت او باید طبع شود و ما چون این را می خواهیم زودتر تهیه کنیم بملاوه

نظرهمان این است که در دسترس عموم بگذاریم و نظارهای عموم را جمع کنیم و قطع دارم که آقای مدرس هم این قسمت را موافقت میفرمایند که این قوانین باید طبع شود اما راجع بان تصنیف هائی که بنده کرده ام و در کبیسون مطرح است البته آنها را هم با هم قرارش را میگذاریم و بنده پولش را تقدیم میکنم جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

رئیس - پیشنهادها قرائت میشود

(بشرح ذیل قرائت شد)

پیشنهاد آقای کازرونی :
بنده تبصره ذیل را پیشنهاد میکنم.
تبصره - طبع کتب و قوانین مذکوره در طهران بعمل خواهد آمد

رئیس - آقای کازرونی

کازرونی - توضیح زیادی ندارد ممکن است باز هم آقای وزیر جواب بنده را بدهند و بنده هم قانع شوم لکن غرض من این است در طهران طبع شود وزیر عدلیه - بنده تصور میکنم آقا موافقت بفرمایند و این پیشنهاد را مسترد بفرمایند. برای اینکه البته شما میخواهید خوب طبع شود جنابعالی شاید اطلاع داشته باشید کدام يك از مطابع حروف فرانسه خوب دارند ولی بنده شخصاً این اطلاع را ندارم. اینها را باید حروفشان را دید شرائطشان را دید اگر خوب بود البته بانها داده خواهد شد و البته در صورتیکه مطبعه خوبی باشد و يك شرائط خوبی هم باشد هیچ دلیل ندارد که در خارجه اینکار را بکنند

کازرونی - بنده نظر باینکه يك حسن عقیده و اعتمادی نسبت به حسن نیت آقای وزیر عدلیه دارم استرداد میکنم. پیشنهاد آقای فیروز آبادی : بنده پیشنهاد میکنم که پنجهزار تومان فعلاً اعتبار داده شود

فیروز آبادی - بنده متأسفم در اینکه بعقیده خودم هر اعتباری که بمجلس می آید زیاد میدانم و مجبور

میشوم کم کنم آنوقت ضرب المثل میشود به اینکه هر وقت هر کس پیشنهادی میکنم فلائکس نصف میکند خیر اینطور نیست بنده حال این مردم را که ملاحظه میکنم می بینم اینها همه زیادی است دیگر اینکه ما میخواهیم این لواحق را بالنسبه مختلفه طبع کنیم اولاً السنه مختلفه ما لازم نداریم همان زبان فارسی خودمان کافی است اثر دیگران هم قوانین خودشان را به اسان فارسی طبع میکنند شما هم طبع کنید ما يك اسان بین المللی داریم که فرانسه است و همین کافی است و با این حال پنجهزار تومان هم زیاد است به این ملاحظه است که بنده این پیشنهاد را کردم.

رئیس - آقای رفیع

حاج آقا رضا رفیع - نماینده محترم اقرار کردند به اینکه ترجمه اش لازم است ولی تقاضا فرمودند که فقط زبان فرانسه باشد بنده گمان میکنم که همین زبان هم باشد اما اینکه مبلغ را فرمودند زیادی است و کمتر خرج دارد این را وزارتخانه رسیدگی کرده است و تشخیص داده است و مبلغ ده هزار تومان اعتبار خواسته است و البته اگر کمتر خرج شد خرج نمیکند و میماند در هر حال این پیشنهاد را خواست آقا مسترد بفرمایند

رئیس - آقایانیکه این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام فرمایند

(عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد

پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب

تبصره ذیل را پیشنهاد میکنم:

وزارت عدلیه مکلف است صورت تفصیلی مخارج را بمجلس بیاورد

آقا سید یعقوب - بنده خیلی متأسفم که آقای رفیع جواب آقای فیروز آبادی را ندادند خدا کند که ما بنام زبانها قوانینشان را ترجمه کنیم نه تنها به زبان

فرانسه بلکه بنام زبانها و آن روز روز سعادت ما است ما که يك ملت گمنامی نیستیم که غیر از خودمان کسی زبان ما را نداند اما راجع به مسئله دوم که تبصره عرض کردم بنده گمان می کنم که خود آقای وزیر عدلیه باید کاملاً بدانند که بنده فوق العاده حسن ظنم به این وزیر دارم بواسطه اینکه ایستاد و زحمت کشید يك عدلیه را درست کرد که حقیقه تا اندازه اطمینان جان و مالی و همه جور در این عدلیه هست و بقدری که مقدر بوده است کار خودش را کرده است بنده بموجب زبان مجلس خودم این پیشنهاد را کردم چون باید تمام نمایندگان نظارت در خرج داشته باشند و اینجا بر سبیل اجال بود حالا بنده پیشنهاد کردم که وزارت عدلیه مکلف است صورت تفصیلی را بمجلس بدهد تا این که حقوقی که قانون اساسی بما داده است که نظارت در مخارج باشد کاملاً محفوظ باشد این بود که بنده این پیشنهاد را کردم.

وزیر عدلیه - بنده حرفی ندارم ولیکن این مخارج هم مثل سایر مخارج بالاخره صورتش بوزارت مالیه میرود و به هر ترتیبی که آقایان در سایر مخارج مملکتی نظارت میکنند در این جا هم میکنند و الا در دادن صورت آن بنده حرفی ندارم.

آقا سید یعقوب - اجازه میفرمائید؟ بنده استرداد میکنم چون میدانم آقایان رای نمیدهند.

رئیس - آقای یاسائی پیشنهاد کرده اند که بجای قانون مدنی نوشته شود لایحه قانون مدنی وزیر عدلیه - در آنجا هم نوشته شده است لایحه قانون مدنی بفرمائید بخوانند.

(بشرح ذیل خوانده شد)

تهیه و طبع لایحه قانون مدنی ...

رئیس - رای گرفته میشود به ماده واحده با اوراق آقایانیکه تصویب میکنند ورقه سفید خواهند داد. (اخذ آراء بعمل آمده نتیجه بقرار ذیل حاصل شد)

ورقه - مفید علامت قبول ۸۳

ورقه کبود علامت رد ۱

رئیس - عدد حاضر ۱۰۲ با ۸۳ رای تصویب شد
(اسامی موافقین)

آقایان: بی سلیمان - امام جمعه شیراز - فهیمی -
الحمی - جلالی - کی استوان - عصر انقلاب - دشتی -
دادگر - شیروانی - نوبخت - استرآبادی - پور تیمور
میرزا عبدالله خان ونوق - نجومی - محمد تقیخان اسعد
عمادی - میرزا عبدالحسین - فرمند خطیبی - بهبهانی
سید یعقوب - مولوی - بهار - حاج آقا حسین -
خوئی - ابراهیمی - امام جمعه اهر - شیخ الاسلام
ملابری - سید محمد تقی - طباطبائی - کازرونی - موقر -
نقّه الاسلامی - طباطبائی دبیا - عباس میرزا - فوهی
ایلیخان - دکتر سنگک - عراقی - شریعت زاده -
زوار - اسفندیاری - جمشیدی - مرتضی قلیخان بیات
سید حسین آقایی - باستانی - محمد آخوند - خواجه
حیدری - دیوان بیکی - افسر - آبه الله زاده خراسانی
وزیری - مقدم - معظمی - اسکندری - ارباب کیخسرو
ساکینیان - لبقوانی - مفتح - عدل - امیراسدالله خان
عامری - بالیزی - محمد ولی میرزا - ملک آرائی -
طباطبائی وکیلی - دکتر رفیع خان امین - فرشی -
میرممتاز - دکتر مصدق - حقنویس - سید جواد محقق
طاهری - ذوالقدر - روحی - غلامحسین میرزا مسعود
حشمی - احتشامزاده - دکتر نقه بان - دولتشاهی -
نکهبان - افشار - حاج میرزا حبیب الله امین
(مخالف)

آقای تقی زاده

رئیس - راجع بدستور پیشنهادی رسیده است
(شرح ذیل خوانده شد)

پیشنهاد آقای ضیاء

پیشنهاد میکنم که خبر کمیسیون بودجه راجع به پل
سفید رود در درجه اول جزو دستور این جلسه شود.

بعضی از نمایندگان - بعد از خالصه انتقالی

رئیس - آقای ضیاء

ضیاء - تمام آقایان نمایندگان از نقطه نظر اهمیت
زیادی که با اقتصادیات مملکت میدهند فوق العاده متوجه
این قبیل اوراق هستند. اتفاقاً چند لایحه مهم مثل لایحه
خالصجات انتقالی و غیره در دستور است که اگر بخواهیم
تأمل کنیم تا اینکه اواجی که در دستور است تمام
شود و آنوقت بآن اواجی که بگماده است و يك رای
میخواهد رای بدهیم ممکن است کمیسیونها خانه پیدا
کند و آن اواج بیفتد بدوره کمیسیون های دیگر مثلاً آقایان
متوجه هستند که يك لایحه مختصری است که یکی دو ماده است
و راجع به کک به کارخانجات است یکی راجع به قسمت
رعایای سنگسر است که بگماده بیشتر نیست که برت
سازی خراسان است، موضوع اراضی کرمانشاهان است
و مؤسسات خیریه، بنده اینطور در نظر گرفتم
که این اواجی که يك رای بیشتر لازم
ندارد و اتفاقاً اواج مالی است هر جلسه قبل از این
که وارد دستور شویم یکی از آنها در دستور بیاید،
برای این جلسه بنده پیشنهاد کردم که لایحه راجع به
پل منجرک روی سفید رود بین لاهیجان ورشت مطرح
شود. آقایان متوجه هستند که اینگونه امور فوق العاده
مهم است، مخصوصاً بدوقت اتفاق افتاد که بنده از
آن راه رفتم. مسافری می آید آنطرف رودخانه اسباب
و زندگانی خودشان را میگذارند روی پل و پل آنها را
از رودخانه میبرد و چون این اصلاحات
خیلی لازم است و زحمت کمی هم دارد بنده پیشنهاد کردم
که قبل از اینکه وارد مذاکره در لایحه خالصه انتقالی
شویم این رای داده شود و در جلسات دیگر هم اول هر
دستوری یکی از آنها در دستور واقع بشود

رئیس - آقای شیروانی

شیروانی - موافقم

رئیس - آقای عراقی

عراقی - موافقم

رئیس - آقای ملک مدنی

ملک مدنی - عرض کنم با این لایحه ما خودمان هم
موافقیم و در کمیسیونها هم خود بنده و سایر رفقا با این
لایحه کاملاً موافقت کردیم ولی چون این يك لایحه است
که باید در واقع از سیصد و هفت بموقع اجرا گذارده
شود بنده خیال میکنم که خیلی لزوم و فوریت ندارد بنا
بر این خوبست آقای ضیاء هم موافقت فرمایند که لایحه
خالصه انتقالی تمام بشود بعد البته با آن اواجی که فرمودند
ما هم موافقیم و علاقه مند هستیم و آنها هم بموقع خودش
جزو دستور می آید و ممکن است که این لایحه در درجه
دوم جزو دستور باشد

شیروانی - بنده پیشنهاد میکنم در درجه دوم باشد

ضیاء - بنده هم موافقت میکنم

رئیس - پیشنهاد آقای وزیری

(بمضمون ذیل خوانده شد)

پیشنهاد میکنم خبر کمیسیون مبتکرات راجع به
حقابه بلده ساوه را جزء اول دستور امشب قرار بدهند
رئیس - آقای وزیری
وزیری - بطور اختصار بعرض آقایان میرسانم سد
ساوه که از بناهای خواجه شمس الدین تبریزی است و
از حیث استحکام معروف. به سد شاه عباس است در
این قسمت بنده يك پیشنهادی تقدیم کردم و رفت
بکمیسیون و فعلاً این مجرای ساوه پنج دقیقه وقت
میخواهد که قابل توجه شود و برود بکمیسیون.

رئیس - آقای خطیبی

خطیبی - بنده هم با اصل لایحه موافقم ولی در عین حال
با تغییر دستور مخالفم اگر ما هم بخواهیم هر شب برای تغییر
دستور در اینجا مذاکره کنیم بایستی هر شب وقت
مجلس همه اش برای این موضوع تلف شود حالا فعلاً لایحه

خالصه انتقالی درش شور هم شده است و مطرح است
این را تمام کنیم بعد سایر اواج را می آوریم و یکی
یکی رای میدهیم

رئیس - آقایانی که این پیشنهاد را تصویب میکنند
قیام فرمایند

(عدد قلبی قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد. پیشنهاد آقای روحی

(شرح ذیل خوانده شد)

پیشنهاد میکنم که خبر کمیسیون بودجه نسبت به
کک مالی به کار خانه ریسبان باقی مرحوم صنیع
الدوله و شرکاء جزو دستور شود

رئیس - آقای روحی

روحی - عرض کنم در مملکتی که فاقد وسائل اقتصادی
است يك کارخانه که تأسیس میشود بعهده بنده باید از
طرف مجلس و دولت بار کک مالی شود ما باید تشویق بکنیم
مردمان را که بتوانند در این مملکت کارخانه ایجاد کنند
مؤسسات اقتصادی ایجاد کنند مؤسسات تعاونی ایجاد کنند
و بالاخره وسائل ثروت را فراهم کنند چنانچه همه جای
دنیا هست. این خبر کمیسیون بودجه که تصویب شده
است بیست هزار تومان کک بکار خانه ریسبان باقی
مرحوم صنیع الدوله و شرکاء است. پنج دقیقه وقت
هم بیشتر لازم ندارد. بنده عیدانم که با این پول ما
میتوانیم از زوال يك کارخانه که به واردات مملکت
کک میکند و نمیگذارد ریسبان از خارج وارد شود
جلو گیری کنیم به اندازه پنج دقیقه هم بیشتر وقت
لازم ندارد بنده هم موافقت میکنم با آقایان که خالصجات
انتقالی در درجه دوم باشد و خواهش میکنم این کار
خبر را بگذارند که حقیقه يك کارخانه در این مملکت
دوام پیدا کند.

رئیس - آقای دادگر

دادگر - عرض کنم آقای روحی البته با حسن نیتی

این پیشنهاد را کرده اند ولی قانوناً خود نان حساب کنید به بینید برای این تغییر دستور چه قدر وقت صرف می کنیم. تغییر دستور موجب قوی میخواید این کراراً مذاکره شده است که وکلا فکر شان را برای يك لواجی حاضر میکنند و مراجع می کنند و معتقد میشوند ولی آنوقت يك دليل قوی میخواید که دستور تغییر کند والا اگر دليل قوی نباشد موجب ندارد بنا بر این خوبست آقای روحی هم این مسئله را مؤخر بدارند و در درجه دوم قرار بدهند

رئیس - آقایان که با این پیشنهاد موافقت قیام فرمایند.

(عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد پیشنهاد دیگر

پیشنهاد آقای کازرونی

بنده پیشنهاد میکنم پس از قانون حکمیت قانون راجع بمجازات قاچاقچیهها مطرح شود (مهمه نمایندگان)

کازرونی - آقا اجازه فرمائید. بنده اگر يك غلطی نوشته باشم خودم اصلاح میکنم زمالیکه بنده این پیشنهاد را دادم آن قانون مطرح بود ولی حالا آن قانون تمام شد و قانون دیگر آمد و آن مسئله گذشت و حالا پیشنهاد را قرائت میکنند بنده مقصودم این است که امروز موضوع انحصاری یکی از منابع مهم عوائد ما است و فعلاً بواسطه قاچاق دچار وقفه شده دولت هم در مقابل مردمانی که متهم بقاچاق هستند با مرتکب قاچاق میشوند حقیقه تکلیفش معلوم نیست يك قانونی بمجلس داده است و بکمیسرین رفته مدتی است خبرش رسیده و بنده چندین دفعه پیشنهاد کردم جزو دستور شود حالا اگر آقایان ترجیح میدهند که خالصجات جزو دستور باشد و این مسئله بماند و مسئله فروش خالصجات را يك امر فوری برای مملکت میدانند و بالعکس این موضوع آری ندارد و مهم نیست بنده استرداد میکنم

و اگر خیر بر عکس این مطلب امر فوری است و برای مملکت لازم است و بکما هم بیشتر نیست مطرح فرمائید بعد هم بنده اطمینان میدهم که این خالصجات هم تمام شود شما عجله نکنید.

رئیس - آقای دادگر

دادگر - آقای کازرونی التفات فرمائید کسی با پیشنهاد جنابعالی مخالف نیست ولی طرفدار این هستند که نظم و ترتیبی در کارها باشد و بالاخره این نوع فکر و تشنگت خیال کار را از جریان می اندازد يك قضیه آمده است و ما آلآن بیست دقیقه است روی تشخیص موضوع و راجع به تغییر دستور صحبت میکنم این را بگذارید در جای خودش و البته محذوف نمی ماند نگران نباشید.

رئیس - رای گرفته میشود آقایانی که با این

پیشنهاد موافقت قیام فرمایند

(عده مختصری قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد. پیشنهاد های راجع بماده سوم

قرائت میشود

(بمضمون ذیل خوانده شد)

پیشنهاد آقای موقر

بنده پیشنهاد میکنم تبصره ذیل بعنوان تبصره چهار ماده سه اضافه شود

تبصره - دولت مجاز است اراضی خالصه بائره را بین اتباع ایران تقسیم نماید اشخاصیکه متصدی آبادی این گونه اراضی می شوند تا پنج سال از تأدیة مالیات معاف از آن ببعده فقط مالیات اربابی خواهند پرداخت پس از دایر و آباد نمودن اراضی بهیچ اسم و رسم نمیتوان متصرفین را از تصرف محروم نمود.

رئیس - آقای موقر

موقر - عرض کنم اراضی خالصه بائره در خوزستان فوق العاده زیاد است چنانچه سابقاً هم عرض کرده ام

بالغ بر چندین هزار فرسخ مربع میشود فقط يك قسمت از آن آباد شده و قسمت عمده آن که تشکیل اکثریت میدهد بائر و مسلوب المنفعه مانده و حال آنکه در قدیم الایام این اراضی کلیه بطوری آباد بوده که محصولات آنجا نه فقط رفع احتیاجات داخلی را میکرد بلکه مقدار کثیری شکر نیل پنبه و حبوبات حتی منسوجات بخارجه صادر میشده و از آنجا ثروت وارد مملکت میشده است که در عظمت و قدرت ملی ما تأثیرات فوق العاده داشته است حالا ما همان خاک و همان آب موجود ولی چرا باید امروزه محتاج باشیم که قوت لاموت خود را از خارجه تحصیل نمائیم متأسفانه ماده ۶۳ اجازه نمیدهد که بنده علل را مشروحاً بعرض مجلس شورای ملی برسانم علیهذا بطریق اختصار عرض می کنم علت العلل خرابی و زوال خوزستان همانا تأثیرات اسم خالصه کی است که بر این املاک گذاشته شده و موجب تفرقه و پراکنده گی رعایا گردیده و از این جهت خوزستان آباد امروز بکلی خراب است هر آینه دولت تصمیم اتخاذ کنند که این اراضی را بین اتباع ایران تقسیم نمایند امیدوار به آبادی خوزستان و بالاخره اسباب آبادی مملکت خواهد شد از این نقطه نظر بود که بنده پیشنهاد کردم اراضی خالصه بائره بدون منفعت بین رعایا تقسیم شود تا اینکه هم دولت و هم ملت بتوانند از وجود آنها استفاده کنند بنده چندین قبل مراجع به استانیستیکی کمری می کردم يك افلامی نسبت بصادرات و واردات خوزستان مشاهده شد که ذکرش را در اینجا خیلی واجب میدانم. عجالاً بنده کاری بوضعیات ازمنه قدیم ندارم صحبت از بیست سال قبل میکنم. بیست سال قبل صادرات خوزستان از قبیل حبوبات بالغ بر هفتاد و چهار هزار خروار بوده که به مملکت انگلیس و آلمان حمل شده است ده سال بعد صادرات ما مبدل بواردات شده و پنججاه و هفت هزار خروار

کندم و جو و آرد و برنج از هندوستان وارد خوزستان شده دو سال قبل میزان واردات همین اجناس به صد

هزار خروار رسیده تفاوت عمل بیست سال قبل با دو

سال قبل بالغ بر ۲۶ میلیون قران بوده که بضرر ما تمام شده است. البته نامادامی که اسم خالصه کی در املاک باقی است به هیچ وجه نمی توان امید آبادی داشت مملکت مال ملت است و باید بدست ملت آباد بشود...

زوار - ماده ۶۳ کاملاً از بین رفته است

موقر - ماده را بنده خودم عرض کردم قبول هم دارم اما نامل فرمائید این يك مسئله حیاتی مملکتی است کمان میکنم حضرتعالی هم علاقه مند باشید.

بکنفر از نمایندگان - راجع باین موضوع نیست

موقر - اجازه فرمائید راجع بهمین خالصجات انتقالي است در این صورت استدعا میکنم توجه فرمایند يك مسئله حیاتی و قابل توجه عموم آقایان نمایندگان است مملکت امریکای شمالی که از بزرگترین ممالک با ثروت عالم است فقط از تأثیر این قانون که املاک بین رعایا تقسیم کرده آباد شده. امروزه که بحمد الله مملکت ایران دارد راه ترقی را می پیداید خوبست ما هم ناسی به آنها بجوئیم و باید گفت، همچنان رو که رهروان رفتند علیهذا چون آقایان نمایندگان کاملاً علاقه مند به آبادی و عمران مملکت هستند لهذا بنده این تبصره را پیشنهاد کردم و امیدوارم که آقایان نمایندگان این را بموقع اجرا بگذارند

فهیمی (مخبر کمیسیون) - پیشنهاد آقای موقر البته اساساً خیلی خوب نظری است ولی جایش اینجا نیست سابقاً هم پیشنهادی از طرف آقای شیروانی در همین زمینه شده بود و بکمیسرین رفته است يك چیزی بعنوان ماده الحاقیه تهیه بکنند و بمجلس تقدیم کنند این تبصره هم باید باشد بفرستند بکمیسرین در آنجا اصلاح خواهد شد

رئیس - تقاضای ارجاع بکمیسرین کردید؟

مخبر - این تبصره ایشان را هم در جزو پیشنهادهای

ماده اول یکم سی و نهم مراجع به شود زیرا مربوط باین ماده نیست
پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب
پیشنهاد میکنم ماده سوم این نوع اصلاح شود:
ماده سوم - میزان مالیات خالصه انتقالی ثلث عوائد
مالک است چنانچه ثلث عوائد از میزان مالیات املاک
اربابی اضافه باشد دولت مکلف است در ظرف پنج سال
آن اضافه را تقویم نموده با قساطر پنجگانه در یافت دارد
رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - این پیشنهادی که بنده عرض کردم
در تعقیب ادله ایست که نسبت به خالصه انتقالی دارم
عقیده ما این است که يك قدم هائی بر داریم بر واحد
کردن همه چیز. در هر چیزی ما اختلاف داریم از جمله
چیز هائی که کاملاً محل اختلاف است در مملکت همین
مسئله مالیات است نسبت به املاک. در هر جا يك
جور مالیات میگیرند حقیقه این زنجیر هائی است که
از دوره های سابق به پای مردم افتاده است از جمله
یکی مسئله خالصجات است این خالصجات انتقالی به چه
رتبتي منتقل شده و مردم چه جور گرفتارند چه عرض
کنم. ما در دوره چهارم و پنجم زحمت کشیدیم و يك
قانونی گذراندیم که عبارت از قانون مجزای و تعیین مالیات
اربابی بود این قانون را باید ما کاملاً تعقیب
کنیم و مالیات را متحدالشکل کنیم مالیات املاک
اربابی خالصه انتقالی که مطابق ماده که ماده سه شد
از ۱۳۰۰ تا از ۱۳۰۷ قری معین شد که آقای
ناسائی پیشنهاد کردند و خبرش خواهد آمد. خالصه
انتقالی بعد از این عنوان را ندارد که ما دو مرتبه
بگوئیم خالصه وهی املاک را قسمت کنیم. یکی خالصه
انتقالی، یکی غیر انتقالی، یکی اربابی، بنده برای این
که کاملاً ملاحظه مذاق دولت را کرده باشم و از آنطرف
هم عقیده خودم که عبارت از یکی کردن مالیات ها باشد
و بابتی مالیات را مثل املاک اربابی قرار بدهیم
پیشنهاد کردم که ثلث عوائد مالکانه در خالصجات انتقالی

مالیات دولت باشد و این ثلث را میزان بگيرند و با
مالیات که مطابق قانون مجزای معین کرده اند این ثلث
اگر مساوی است دست از جان مردم بردارند. ملت
بیشتر از این ندارد. هر مالکی نسبت به ملك خودش
ثلث بیشتر نمیگیرد چنانچه ملائین در مجلس هستند تصدیق
میکنند عرایض بنده را. اگر این ثلث مطابق است
با همان مالیات املاک اربابی دولت این ثلث را بگیرد
و دست از جان مردم بردارد و بطور کلی
عنوان خالصگی را بردارد و اگر این ثلثی
که نوشته ایم زیادتی است این زیادتی را در عرض پنج
سال تقویم کنند (نومانی پنج تومان آنها ندارند) و در
عرض پنج سال با قساطر پنج گانه بپردازند. گن میکنم
این پیشنهادی که بنده کرده ام اگر آقای مخبر قبول
کنند دیگر محتاج باین تبصره و شرح و بسط نیستیم ماده
چهارم هم ازین میرود مالیات خالصه را هم معین کرده ایم
و تکلیف مردم معین میشود و بعد از پنج سال ریششان
از دست اداره خالصه نجات پیدا میکند آخر تاکی این
مردم بدبخت گرفتار يك فرمانی باشند و هر روز اسباب
زحمت خودشان باشد حالا قضاوت با خود آقای مخبر و آقایان
نماینده است

مخبر - بکمرتبه دیگر خوانده شود.

(پیشنهاد مزبور مجدداً بشرح سابق خوانده شد)

مخبر - پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب قابل اجرا
نیست ولیکن عرض میکنم بریشب آقای کارزونی يك
اظهاری فرمودند که چطور است این مالیات ها
را مساوی قرار بدهیم با صدی پنجاه باشد یا بعضی از
آقایان میفرمودند کمتر و بعضی بیشتر باشد این نکته را
باید آقایان متوجه باشند که دولت بموجب قانون باید
برای تمام املاک يك مالیات معینی وضع کند. مالیات
املاک اربابی را معین کردند صد سه و نیم از عایدات
کل. هر مالکی مالیات نداشته باشد یا کمتر از این باشد
دولت باید ناصد سه و نیم بدون گفتگو علاوه کند و

هر مالکی هم علاوه دارد باید کمتر کند تا مأخذ صد پنجاه
و نباید استثنائی از برای وضع مالیات قائل شوند لیکن
بعضی املاک هست که از آنها دولت مالیات نمیگیرد و
در موقعیکه منتقل کرده است حق اربابی را برای خودش
محفوظ داشته است باین معنی بعضی از این املاکی را
که خالصه انتقالی میگوئیم در موقعیکه دولت منتقل کرده
است این ملك را با شرط نادیه این میزان مالیات منتقل
کرده است. خانه ایست بنده فروخته ام به زید در قبالة فروش
شرط کرده ام که دو اطاقش را باید برای خودم محفوظ بدارد و
این چیزی را که دولت میگیرد در حقیقت منال است نه مالیات
يك حق است حق اربابی بدلائلی که در جلسات قبل
عرض شد در سنوات اخیر مالکین و متصرفین از عهده
نادیه این منال نتوانسته اند بر آیند حالا میخواهیم
رتبتي بدهیم که هم مالیات خالصه کی آنها معلوم شود
و هم اینکه در آتیه بتوانیم تغییر بدهیم بصورت اربابی
دولت که صاحب این مالیات است هر میزان او را
میخواهد تخفیف بدهد یا به بخشد مجاز است مجلس
شورای ملی که نماینده کلیه مملکت ایران است و اختیار
تمام امور مالی این مملکت را دارد میتواند رای بدهد
که تمام مالیات خالصه انتقالی بخشد، شود ولی هیچکدام
از آنها را بدون جهت نمیتواند تبعیض کند و چیزی بر
آنها بیفزاید. آن روزی که شب این ملك را منتقل
کردید بیک نفری یکی از آنها بانصد تومان یکی سیصد
تومان بانصد تومانی را میتوانید دو بست تومانش را به
بخشید و سیصد تومان بگیری و دو بست تومانی را
چطور میتوانید بگوئید بانصد تومان و اضافه کنید
اگر ما بگوئیم مساوی قرار بدهیم ممکن است بعضی
تخفیف داده شود ولی به بعضی دیگر اضافه شود اگر از
يك کسی کسر کنیم دلیل ندارد که جبرانش را دیگری
کند لهذا ما در نظر گرفتیم يك حد اعلائی از برای
میزان مالیات قرار بدهیم که آن صدی پنجاه عایدات
خالص است آن هم به آنطور که آقای ناسائی اشاره

کلالی - زیاد است

مخبر - بله برای جنابعالی که خالصه انتقالی دارید

زیاد است

کلالی - بنده خالصه انتقالی ندارم

مخبر - ولی بطور کلی زیاد نیست علتش هم این
است که صدی پنجاه که حداکثر يك ملك است يك
ملكی را که بانصد تومان مالیات برایش
قرار میدهیم آنوقت يك عشر هم تقریباً برای مالیات
ارضی کسر میکنم بمیان صدی چهل. صدی چهل در
خریداری از قرار تومانی پنج تومان نسبت به قیمت بهترین
املاک است زیرا بهترین املاک آن است که ده يك
خریداری شود ما که تومان پنج تومان میگیریم تقریباً
نصف است نصف صدی چهل صدی بیست است پس در
اینجا ملاحظه میفرمائید که اجحافی مالکین نشده
بلکه نهایت رفاه و همراهی هم با آنها شده است در
خریداری هم که با آنها مساعدت میشود که مرور بخزند
این بود که کمیسیون صدی پنجاه را گرفت و این نهایت
مساعدتی است که با آنها میشود با تساوی و با میزان
ثلث هیچکدام موافقت حاصل نخواهد بود

رئیس - آقایانی که این پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب

را قابل توجه میدانند قیام فرمایند

(عده قلیلی برخاستند)

رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهاد آقای ارباب

کیخسرو

(اینطور خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم تبصره ۱ ماده سه این قسم نوشته شود:

تبصره (۱) - خالصجات انتقالی که در سنوات اخیر لا اقل سه سال متوالی اخیر مسلوب المنفعه بوده است ارباب کیخسرو - بنده میخواهم خاطر آقایان متوجه باشد که در این لایحه نوشته است خالصجات انتقالی که در سنوات اخیر مسلوب المنفعه بوده اند مشمول فلان الی آخر اینجا معلوم نیست از وقتی که در نظر گرفته اند سنوات اخیر را چند سال در نظر گرفته اند ممکن است وزارت مالیه يك قسم دیگر تعبیر کند و مالکین يك قسم دیگر. این است که بنده يك حدی قرار دادم که لا اقل سه سال متوالی مسلوب المنفعه باشد و الا با این طرز همیشه بین وزارت مالیه و مالکین تولید مشکلات خواهد شد

مخبر - پیشنهاد آقای ارباب کیخسرو را قبول میکنم
رئیس - پیشنهاد دیگر آقای ارباب کیخسرو

(بشرح ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم تبصره ۲ ماده ۳ این قسم نوشته شود

تبصره ۲ - مراد از عایدات متوسط خمس عایدات پنجسال اخیر است با رعایت آنکه بحد وسایل ممکنه کاشته شده باشد

رئیس - آقای ارباب کیخسرو

ارباب کیخسرو - اینجا در لایحه که پیشنهاد کرده اند هیچ حکم قطعی ندارد که در چه موقع مالک با دولت داخل تشخیص عمل شوند. اختیار را واگذار کرده است بمالك. ممکن است مالکینی که يك مالیات سنگینی دارند يك وقتی مقتضی این باشد که طوری سه سال را نهبه کنند که کاشتشان کم شود نابتوانند در آن موقع بعد از سه سال بروند و بادولت يك قراری بدهند

۵ سال است باین علت که سال گذشته ۳۰۵ محصول در تمام مملکت فوق العاده خوب بوده در سال ۳۰۴ نسبتاً آفت داشته است و امسال هم یکسال متوسط بوده است و اگر ما بخواهیم روی پنجسال برویم اساساً تشخیص غیر مقدور است برای اینکه سلاکین که يك صورت مشخص و مرتبی ندارند دچار میشوند. مأمورین مالیه و خیلی تولید مشکل میکنند اما سه سال را باز ممکن است. يك ترتیبی تشخیص داد. اما اینکه فرمودید ممکن است بعضی از مالکین تعهد کرده باشند در زراعت بنده خیال نمیکنم هیچ مالکی در زراعت تعهد کرده باشد و سابقه هم نداشته است که يك همچو قانونی از مجلس خواهد گذشت که مالک تعهد کرده باشد در نکاشتن و بنده نمنا میکنم که آقای ارباب هم موافقت فرمایند و استرداد کنند این پیشنهاد را.

رئیس - آقایانیکه این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام فرمایند

(عدد قلیلی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهاد آقای ضیاء

(مضمون آتی خوانده شد)

تبصره ذیل را بماده سوم لایحه خالصجات انتقالی پیشنهاد میکنم

تبصره - خالصجات انتقالی که تا قبل از تصویب این قانون در تصرف زارعین دهاقین خورده مالک است از این قانون مستثنی و مطابق املاک اربابان باید ممیزی شود

رئیس - آقای ضیاء

ضیاء - البته نمایندگان محترم هم متوجه اند که در موقع وضع اینگونه قوانین رعایت کامل نسبت بحال زارعین و دهاقین خورده مالک مملکت باید کاملاً ملحوظ شود. اینجا در این قانون ذکر شده است خالصجات انتقالی و این مشمول مالکین هم که رو به مرفته نیمدانک یا ربعم دانک از ملکی دارند میشود در حالتی که این

بیچاره ها آن استطاعت و توانایی را ندارند که بتوانند در مقابل اظهارات قانونی وزارت مالیه جواب بدهند و حاضر بشوند و حکم معین کنند و در این قسمت ها وارد مذاکره بشوند. يك ملکی بوده است يك وقت مال بکنند و خالصه انتقالی بوده حالا ممکن است تقسیم شده باشد. بین خورده مالکین و فروش رفته باشد برای اینکه محظوری پیش نیاید بنده ذکر کردم که خالصجاتی که تا قبل از تاریخ تصویب این قانون در تصرف خورده مالکین است برای آن اشکالی که آقای مخبر ذکر کردند که مبادا بعد از وضع این قانون مردم بروند املاکشان را تقسیم کنند و خورده مالکین زیاد درست شود. این است که رفع اشکال شده و پیشنهاد هم شده است که املاکی که قبل از تصویب این قانون در دست خورده مالکین است مستثنی خواهد بود

مخبر - عرض میشود بنده رعیت و دهقانی سراغ ندارم که خالصه انتقالی داشته باشد مال اشخاصی است که رعیت بیچاره زیر دست آنها شده خالصه انتقالی دست اشخاص مالک است همیشه

نابت - خورده مالک نمیشود مالک باشد؟

مخبر - چرا. هر وقتی که این مالکین قدرت داشته اند و دولت نتوانسته از آنها جلوگیری کند مالیات را هم خورده اند و عایدات را هم برده اند هر وقت دولت قدرتی پیدا کرده است و نتوانسته اند کاری بکنند آمده اند زارع را جلو انداخته اند که املاک مال این بد بختها است. مالیات مال اینها است. نگذارید کلاه اینها را بردارند همان اشخاص را وادار کرده اند که بر علیه خودشان فریاد کنند. بالاخره وقتی که نتیجه گرفته شد باز آقا از پس برده در میآید و عایدات را میبرد. باضافه خالصه انتقالی ملک است هر کس که فایده اش را میبرد بالاخره يك پولی میدهد و آن مالیات را میخرد. آقای باستانی بریشب خودشان میفرمودند که يك قلندر هائی آمده اند بزور پولشان را هم از آنها گرفته اند. يك

قلچپاقی آمده پول را از فلان زارع گرفته بعد ملکش را هم گرفته است اینها هم پول از زارع گرفته اند هم بکارش را داشته اند و هم در موقع آنها را پیش انداخته اند. اگر رعایتی نسبت بآنها بشود عیب ندارد. ولی من مطمئنم که نسبت بآنها رعایت نمیشود و این يك فایده است که ملائین میبرند و باضافه یقین بدانید که از فردا تمام اینها مال زارعین میشود پس از آنکه این مالیات محقق شد دو باره میروند دست ملائین.

ضیاء - بنده مطابق ماده صد و نهم اجازه میخواهم رئیس - چه شده است؟

ضیاء - عرایض بنده را بر خلاف واقع جلوه دادند. بنده نظرم این بود که خورده مالکها اشخاص ضعیف...

رئیس - اگر نهمتی زدند بآنها زدند بشما که زدند ضیاء - بنده ماده صد و نهم را قرائت میکنم. ماده ۱۰۹ (اگر در ضمن مباحثات و تصحیفات و نطق افترا و نهمتی یکی از نمایندگان زده شود یا عرایض او بر خلاف واقع جلوه داده شود...) آقا هم این عرایض بنده را برخلاف واقع جلوه دادند غرضم افترا و نهمت نیست. ما يك مثل کوچکی میتوانیم بزینم يك نفر پیدا شده است. يك خالصه انتقالی بدست آورده است خودش رفته است سر آن ملك. بالاخره فوت شده است. این خالصه انتقالی تقسیم شده است بین اولادش. اولادش هم مشغول زراعت شده اند. نه قلدر بوده است نه قلچپاق. يك کسی بوده است که هر وسیله يك خالصه انتقالی بدست آورده ولی حال دست يك عده مردمان ضعیف است بعلاوه همه نمایندگان قائلند که این املاک خراب باثری که بنام خالصه دست دولت است بهر صورتی بین مردم تقسیم شود بروند آباد کنند بهتر است

رئیس - آقا باینکه پیشنهاد آقای ضیاء را قابل توجه میدانند قیام فرمایند (عده قلبی قیام نمودند)

مشکل است. حالا برهانش که چرا مشکل است. اگر شاهزاده افسر توجه بفرمابند. بواسطه اینکه فلسفه های متعدده اینجا جمع شده. فلسفه های متعدده که یا همدیگر جمع خیلی مشکل است در این قانون جمع شده اگر آقای مخبر اجازه بفرمایند از اول شروع کنم و عرض کنم

مخبر - ماده ۶۳ را هم رعایت بفرمایند

مدرس - پس روی حساب اگر عالماً عامداً عمل باین شرط نکنند باید بگویند آقا باین شرط عمل نمیکنی ول کن من باین شرط این را واگذار می کنم شما میگوئی من باین شرط وفا نمیکنم از من هم نگیر! این فلسفه را کدام کتاب نوشته است؟ من دادم بشما که سالی صد خروار بگیرم شما میگوئی سالی صد خروار را نمیتوانم بدهم ملك را هم از من نگیرید! بفرمایید این فلسفه اش کجا است؟ در زمانهای بعد که مردم این ملکها را خریدند بخیالات. یعنی او گفت من میخرم صد خروار بعد تسعیر میکنم او گفت میخرم بعد تسعیر میکنم بعضیهاش خوب در آمد بعضیهاش شکالات بر خورد من يك ملك خوبی خریدم تسعیر کردم از من منتفع شدم يك کس دیگر ملکش قابل نبود یا نتوانست تسعیر کند باشکالات بر خورد مأمورین مالیه مطالبه آن شرط را کردند آنها شکایت کردند. دولتهای وقت بر حسب ارفاق. منتصرفین آمدند و این قرارداد را کردند بعضی را کم کردند بعضی را تنصیف کردند و هکذا يك انواع مختلفه در این مدتها سیر کرده و همه آقایان هم که فرمایش میفرمایند بنده ملاحظه میکنم که خیلش مصداق دارد البته خیلی اش دست خورده مالک بوده خیلش هم دست درشت بوده خیلش منفعت دارد بعضی هم منفعت کم دارد یا ضرر دارد. همه قسم هست. ما آمدیم و دیدیم که حقیقه دولت در زحمت است. مردم در زحمتند. فکر کردیم که چه کنیم که هم دولت آسوده شود و هم مردم بیایند حساب کنند. بر یکی یکی گریه نکنید. البته نوبی صد هزار نفر بتیم هم دارد. قلدر هم دارد. خوب هم دارد. بد هم دارد. حساب کنیم که چه باید بکنیم که هم دولت در زحمت نباشد هم مردم راحت

باشند و این اشکالات هم رفع شود. خیلی هم حقیقه عذر میخواهم که زیاد حرف میزنم ولی چاره ندارم چون اجازه خواستم اجازه من رسید. سه فلسفه داشت يك فلسفه اینکه مالیاتهای مملکت متحدالشکل باشد. هر کدامش يك جورى نباشد. یکی اینکه این ادارات دولتی که باید يك دستکاه و چرخ علیحده بجهت جمع آوری اداره خالصجات انتقالی داشته باشند و علیحده يك مخارج و يك مصرفی میکنند این خرج از کردن دولت بر داشته شود. یکی اینکه من که مالك خالصه انتقالی بودم ارباب حساب میشدم اما هیچکس صد دینار من قرض نمیداد زیرا که ملك خالصه انتقالی بود ولیکن ملك خالصه انتقالی جزو ملك حساب نمیشد اعتبار نداشت. مالیت نداشت. گفتیم چه عیب دارد منی که مالك يك ده هستم و صد دینار اعتبار ندارم این را بی عیبش کنید تا من بشوم صاحب ثروت، دلم گرم شود و این ده را آباد کنم. این سه عیب در نظر بود و آمدیم و این لایحه را تنظیم کردیم از برکات و توجهات آقای مخبر ماده ۳ و چهارمی نوشته شد که ده درجه بر زحمت متصرفین افزود. ده درجه مخارج اداره مالیه را در خالصجات انتقالی زیاد کرده است و بالاخره هیچکس هم نمیکرد.

عباسی پیرزا - چرا؟

مدرس - آقای سالار لشکر شما نمیکردید. من در این مجلس میگویم شاهزاده فرمانفرما يك خالصه نمیکرد چرا بخرد؟ شما نوشته اید (میتواند) میگوید من نمی خرم چرا برای این که نگاه بصره اش میکند. آن مقاصدی که ما داشتیم هیچکدامش حاصل نمیشود و بازم معذرت میخواهم آن فرمایشات آقای موقر و فرمایشات آقای کازرونی ربطی باینجا نداشت او را ما قبول داریم اما ربطی باینجا ندارد. خالصجات انتقالی یعنی دولت بهره بر میداشت، داده است مردم. چه ربطی بانها دارد که در اهواز افتاده است که بنده هم دیده ام.

کازرونی - آنها آدم نیستند

مدرس - در هر صورت بنده این ماده را پیشنهاد کردم اگر آقای مخبر صلاح میدانند در کمیسیون بروند و نظری کنند و آن اینست که بجای ماده ۳ و ۴ نوشته شود کلیه خالصجات انتقالی که در ماده اول معین شد مالککش بقدر مالیات اربابی قانونی را بگذارد زمین هر چه شد باقی را نوماتی پنجتومان یعنی آنچه که از او مطالبه میکنند نه آنچه توی فرمان نوشته است آن مقداری که بموجب قرار داد های اخیر از آنها مطالبه میکنند مثلاً سالی بیست خروار لزش میکرده آن سه خروارش را بگذارد زمین آن هفده خروارش را نوماتی پنجتومان قیمت کنند و سه ساله یا چهار ساله هر چه شما معین میکنید بدهند باشخص استثناء هم ندارد میان آنکه شکایت کرده است یا نکرده است. هر کس که مالك خالصه انتقالی است بقدر مالیات اربابیش بگذارد زمین باقیش يك خروار است بقیمت نوماتی پنجتومان پنجاه خروار است هر چه هست قیمت کنند و بدهند اگر نکرد آن شرطی که اول در ضمن عقد با او شده است دولت همان شرط را رفتار کند. این عقیده بنده است و دو تبصره ذیل را قبول دارم با اینجاده که پیشنهاد کرده ام

مخبر - بنده خیلی میل داشتم که میتوانستیم پیشنهاد کنیم ماده ۶۳ نسبت به آقای مدرس همیشه استثناء باشد زیرا که از فرمایشات آقای مدرس استفاضه میکنیم ولی در اصل موضوع فلسفه این کار را از ابتداء فرمودند که چه بوده است، این معاملات، رادوات قانونی کرده است، و اگذار کرده است باشخاص، غالباً شاید همه اطلاع داشته باشند که همان فرامین را برای اینکه بیشتر صورت شرعی بهش بدهند پیش علماء هم برده اند که ملکیت آنها تقریباً شرعی و قانونیست همه چیزش درست شده باشد. کسر هائی که بعد کرده اند از آن جمع اول همه اش برای خصوصیت نبوده برای این بوده

است که دیده اند ان ملك جمعی را که بآن اشخاص داده اند عمل نمیکند، عنوان تسعیر و تخفیف را آورده اند. چنانچه بعد از قانون مصوبه مجلس اول که تسعیرات و تخفیفات موقوف شد حقیقه جمع کثیری حاضر بودند که املاک را اگذار کنند بدولت برای اینکه نمیتوانستند از عهده برآیند این قرار هائی که از برای تنصیف و غیره داده شد برای این ملاحظه بود اما کاریکه الان ما می خواهیم بکنیم اشکال در يك مطلب است اگر چه ان قسمت موضوع ماده بعد است ولی چون آقا در این ماده پیشنهاد فرمودید ناچارم عرض کنم. ما نظرمان این است که این ماده باید اجباری باشد و مردم مکلف باشند بخردند شاید غالب آقایان این فکر را طرفدار هستند ولی در عمل ممکن نمیشود ما میرویم يك زحمتی از کردن مردم بر داریم يك زحمت بیشتری بکردن مردم میاندازیم بجهت اینکه يك اشخاصی دارای املاک هستند و يك مبلغی از مالیات را باید خریداری کنند آنها نمیتوانند از عهده بر آیند و پول بدهند و این مالیات را بخردند در این صورت دولت چه باید بکند دولت ناچار است بدیگری بفروشد ملاحظه فرمائید اگر همچو چیزی پیش بیاید آن وقت يك اشخاص پولدار دیگری يك ملك ارزانی را نوماتی پنجتومان میروند از سایر اشخاص میخرند و آن مالك اولی دیگر صاحب ملك نخواهد بود این پیش بینی را برای حال آن مالکین کردیم، این قانون را برای راحتی مالکین میگذرانیم که دیگر تزلزل نداشته باشند مالیاتشان هم معین باشد ولی از آن طرف اگر مسئله اجبار پیش بیاید يك راه دیگری پیش می آید که ممکن است يك دردسر دیگری تولید کند که يك قسمت از ملك مالکین میروند و يك اشخاصی که پول دار هستند ملك او را میبرند و يك زحمتی از این اجبار برای او تولید می کنند که در نتیجه ممکن است اصل ملك از دستش برود بنده چندین با اجباری شدن مخالفتی ندارم ولی رو بهمرفته که نگاه کردم برای العین دیدم که امروز غیر ممکن است و عجاله چندین ضرر دارد. ما مقدسه این اساس را می چینییم

یکسال دو سال هم عمل میکنند البته اشخاصی که این املاک در دستشان هست می آیند و این معامله را میکنند و بعد از يك مدتی نه مطالعه کردیم و دیدیم که چه می شود مالمی ندارد که یکسال دیگر، دو سال دیگر يك ماده بگذرانند که بقیه اجباری باشد ولی ابتدای امر باید يك مساعدتی بشود که مردم بطرف این معامله بیایند اگر مسئله اجباری الان پیش بیاید همه مردم ملکیشان منزول خواهد شد زیرا شاید نمیتواند از نأدیه آن مقداری که معین میشود بر آید. از طرف دیگر این وضع مالیاتی را که برای آنها قرار گذاشته اند این در حقیقت يك حال اجباری است برای این که این صدی هفتاد و صدی هشتاد را که از او میگیرند ما گفته ایم که صدی پنجاه بشود و اگر میخواهید مساعدت با این اشخاص بشود عجالاً آن تخفیف تا صدی پنجاه را قبول کنید و بگوئیم که اگر هم خریداری نکردند تا پنجسال، تا ده سال مطابق قانون مجزی دیگر مالیات شما را اضافه نخواهند کرد یعنی هر سال نمی آیند سر شما که به بینند چه عمل کرده است و آن را مالیاتش را بگیرند همان مقداری را که سال اول معین کرده اند مالیاتش را می گیرند و این يك تشویق و ترغیبی است برای اینکه مالکین در صد آبادی املاکشان بر آیند و البته از یکطرف در صد آبادی ملك بر می آیند و از طرف دیگر در صد این بر می آیند که هر چه زود تر بتوانند با این قیمت نازل بقیه مالیاتشان را خریداری کنند. این است که استدعا میکنم حضرت آقا هم مساعدت فرمایند که این ماده که تعیین میزان مالیات آنها است تصویب شود و بعد در مسئله خریداری که راجع به ماده بعد است آن مذاکره را میکنم، اگر با نظر آقایان مساعدتی شد ممکن است حال اجباری را با يك تسهیلاتی در ماده ذکر کنیم.

مدرس - آقا يك مرتبه دیگر پیشنهاد را بخوانند تا آقای فهیم الملك ملتفت بشوند. من کی ملك را گفتم بخردند؟

مخبر - پس اجباری چه بود ؟
(پیشنهاد آقای مدرس مجدداً بشرح سابق قرائت شد)
مدرس - پیشنهاد میکنم پنجسال بشود .

رئیس - سه سال تبدیل به پنجسال میشود . رأی
میگیریم آقایانیکه این پیشنهاد را قابل توجه میدانند
قیام فرمایند .

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه شد پیشنهاد آقای مدرس
(این نوع خوانده شد)

تبصره ۱ - بطریق ذیل نوشته شود
خالصجات انتقالی که در سه سال اخیره مسلوب المنفعه
بوده اند مشمول مواد قانون مالیات اربابی خواهند بود
تبصره ۲ در موقع خریداری اضافه مالیات خالصگی
قیمت جنس مالیاتی نرخ متوسطه سه سال اخیر است

رئیس - آقای مدرس

مدرس - توضیح این تبصره ها همان توضیحاتی است
که دادم در تبصره اول مدت مسلوب المنفعه ماندن را
سه سال معین شده و در قسمت تبصره دوم هم مقصود
این است که در موقع خریداری اضافه مالیات نرخ
خریداری نرخ متوسطه سه سال اخیر است و آنرا میزان
قرار میدهند و نوماتی پنجتومان خریداری میکنند

رئیس - آقای ملک مدنی

ملک مدنی - این تبصره هائی که آقای مدرس
پیشنهاد کردند در واقع تبصره هائی است که در خود ماده هم
هست منتها يك تغییرى داده اند و بنده خیال می کنم
چون پیشنهاد ایشان قابل توجه شد این تبصره ها هم به
کمیسیون بیاید و آقای مخبر هم اگر موافقت کنند که به
کمیسیون بیاید بهتر است

مخبر - تبصره اول که قبول شد آقای ارباب کیخسرو
پیشنهاد کردند و قبول کردیم

رئیس - رأی گرفته میشود بتبصره دوم آقایانیکه قابل

توجه میدانند قیام فرمایند

(عده قابل قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد

بعضی از نمایندگان - تنفس

(در اینموقع جلسه برای تنفس تعطیل و بافصله نیم
ساعت مجدداً تشکیل گردید)

رئیس - پیشنهاد آقای موقر

(اینطور خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم که تبصره ذیل بعنوان تبصره ۳
بماده ۳ اضافه شود

اراضی خالصه باثره که بدون جمع باتباع ایران داده
شده است ملك متصرفی شناخته شده و از باب اراضی
بهیچ عنوان نجمیلی بانها نمیشود و بنا و ساختمانی که در
او کرده اند مطابق سایر املاک شخصی تابع قوانین مقرر
خواهد بود

رئیس - آقای موقر

موقر - چنانچه عرض کردم اراضی خالصه باثره در
خوزستان بالغ بر چندین هزار فرسخ است . در
ازمنه گذشته بکسمت مختصر ناقابلی از این اراضی باتباع
ایران واگذار شده اهالی با اطمینان خاطر در آنج
اینیه عمارات و دکاکینی ساخته و شهر های جدید
خوزستان را ایجاد نموده اند . در بکسمت مختصر دیگر
هم بواسطه نصب نلمبه ها و سایر وسائل آبیاری که
معمول بخوزستان است زراعت میکنند . از نقطه نظر
اینکه این قانون نسبت بحقوق اینگونه مالکین مصرح باشد
و جائی برای ابهام باقی نماند بنده این تبصره را پیشنهاد
کردم و تقاضا دارم آقای مخبر محترم هم این تبصره را قبول
بفرمایند .

مخبر - عرض میشود ، تقریباً در قسمتهای دیگر
لابحه این تبصره نامین شده است و بیشتر مربوط میشود
بقسمت ماده اول و چون ماده اول فعلاً در کمیسیون

نحت مذاقه است این تبصره با تبصره اولی آقای موقر
بکمیسیون فرستاده شود که در ضمن ماده اول اصلاح
گردد و در این ماده نمی شود

رئیس - پیشنهاد آقای مدرس

(بشرح ذیل خوانده شد)

پیشنهاد میکنم بعنوان تبصره نوشته شود :

هرگاه در موضوع ماده فوق در سنوات اخیره مالیات
خالصگی که دولت دریافت میکرده از صدی پنجاه عابدی
مالکانه علاوه باشد بصدی پنجاه نازل داده خواهد شد
و برطبق ماده فوق رفتار میشود

رئیس - آقای مدرس

مدرس - گمان میکنم همه آقایان متذکر باشند که
مقصود چه چیز است چون آن پیشنهادی که بنده کردم
يك اطلاقى داشت حالا مطابق این پیشنهاد اطلاق رافع
کردیم و برش گردانندم بیک صورت معتدلی

مخبر - بنده این پیشنهاد را عیناً قبول میکنم چون همان
نظری است که کمیسیون هم داشت

رئیس - پیشنهاد آقای عمادی

(بمضمون ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد می کنم که تبصره اول به ترتیب ذیل
اصلاح شود :

تبصره اول - خالصجات انتقالی که در سنوات
اخیره مسلوب المنفعه بوده اند و از حال مالک
آن مخارجاتی بناید و او را قابل استفاده نماید در آتیه
دولت از او مالیات اربابی مطالبه نماید

رئیس - آقای عمادی

عمادی - عرض میشود . مقصود بنده از این پیشنهاد
این است که اینجا مطلقاً دارد که مسلوب المنفعه بودن
مشمول مواد قانون مالیات املاک اربابی است . بنده
خواستم اضافه کنم که بعد از آنکه مالک همچو ملکی او
را تعمیر کرد و قابل استفاده شد یا قید استفاده قانونی

که در بیستم دی ماه ۱۳۰۴ وضع شده از این املاک
پنجسال مالیات نگیراند و بعد مالیات املاک اربابی مطالبه
نمایند برای رفع ابهام این پیشنهاد را کردم

مخبر - بنده گمان میکنم پیشنهاد آقای عمادی نامین
شده باشد زیرا که اینجا نوشته شده است مشمول مواد
قانون املاک اربابی میشود و از مواد آن قانون یکی هم
این است که اگر املاک مسلوب المنفعه را آباد کنند
تا پنجسال مالیات گرفته نمیشود در اینصورت مطلب نامین
است و گویا دیگر محتاج نباشد .

عمادی - استرداد میکنم

رئیس - پیشنهاد آقای فرمند

(این طور خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم در تبصره دومی ماده ۳ اضافه
شود ثلث عایدات خالص الی آخر .

رئیس - آقای فرمند

فرمند - بنده تصور میکنم که در تبصره مقصود
این است که عایدات خالص بعد از وضع مخارج باشد
لهذا این جا لازم است که عایدات خالص هم اضافه شود
مخبر - مقصود همین است . عایدات خالص است .

رئیس - پیشنهاد دیگر آقای فرمند .

(بشرح ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم که در تبصره يك ماده ۳ در
آخرش اضافه شود ، و بملکیت قطعی شناخته خواهد
شد .

رئیس - آقای فرمند

فرمند - مقصود از این تبصره آنجه که بنظر من
میرسد این است که خالصجات انتقالی که مسلوب المنفعه
میباشد مالیاتشان (مالیات که ندارند که بپردازند) آنها
را به جنبه ملك خصوصى دولت خواهد شناخت
میخواستم در این جا خوب تشریح شود تا این که
در آتیه اسباب اشکال نشود و برای اشخاصی که بتعمیر

املاك مسلوب المنفعه مبادرت میکنند اشکالی نباشد که در آئیه پس از آن که آباد شد ممکن است مشمول ماده ۴ شوند. این پیشنهاد را بنده تقدیم کردم که تکلیف آنها قطعی شود و مبادرت به آبادی این املاك میکنند.

مخبر - نظر آقای فرمند تأمین شده است زیرا که این قانون برای املاکی است که بموجب ماده اول خالصجات انتقالی شناخته میشوند پس دیگر محتاج به تشریح نیست و اگر این را استثنای بکنیم مثل این است سایر املاکی که آباد هستند مشمول این قسمت نیستند تمام این املاکی که این جا نوشته شده است خواه مسلوب المنفعه و خواه غیر مسلوب المنفعه تمام ملك مالکین است ...

فرمند - در صورتی که تأمین شده بنده مسترد می دارم.

رئیس - پیشنهاد آقای دکتر طاهری

(بنحو ذیل خوانده شد)

پیشنهاد می کنم بجای ماده ۳ خبر فعلی ماده ۳ خبر اول کمیسیون قوانین مالیه نوشته شود

رئیس - آقای دکتر طاهری

دکتر طاهری - مقصود بنده از این پیشنهاد این است که ماده سوم خبر اولی باز بهتر بود برای وضعیت خالصجات انتقالی در این خبر دوم بطور اجماع نوشته شده است که هر کس شکایت داشته باشد از این مالیات آنوقت چنین و چنان میشود و از صورت قانونی این ماده خارج است و اسباب اشکال میشود. این بود که بنده پیشنهاد کردم که آن ماده سوم خبر سابق عوض این ماده نوشته شود ولی حالا که آقای مدرس يك پیشنهادی فرمودند و قابل توجه شد این است که دیگر نظر بنده تأمین شده و استرداد می کنم

رئیس - پیشنهاد آقای بامداد

(این نوع خوانده شد)

پیشنهاد می کنم جمله (با بنمعی تا شکایت داشته باشد) حذف شود.

رئیس - آقای بامداد

بامداد - عرض کنم که بنده این پیشنهاد را در موقعی داده بودم که پیشنهاد آقای مدرس تقدیم نشده بود. تمام نظر بنده از موافقت با این لایحه این است که عنوان ملك خالصگی از بین برود و تمام املاك يك نسق باشد و مالیات يك نسق و اشخاصی هم که متصرفند بدانند که حقیقه مالک هستند. اگر کسی شکایت نداشت مالیاتش به همان حال باقی خواهد ماند. این سبب میشود که این عنوان باز باقی میماند يك اشخاصی صدی چهل یا صدی سی میدهند و البته ملکشان هم عایدش بهمان اندازه هست و شکایت ندارند ولی ممکن است این ملك هم باز موضوعش منتهی شود به این ملکهای که الان شکایت دارند و بگویند که من نمیتوانم صدی سی را بدم باز دو مرتبه يك گرفتاری برای مالیه و مردم پیدا میشود. این است که بنده عرض میکنم که این اگر و اینها را باید بطور کلی برداشت و بطور کلی صاحبان املاك خالصجات انتقالی را مکلف کرد که آنچه که سهم دولت است بخرند و مالیه هم مکلف است که بفروشد و چون پیشنهاد آقای مدرس بهمین معنی است این است که بنده استرداد میکنم و اینکه يك قدری هم عرض کردم برای این بود که نقطه نظر هم واضح شود.

مخبر - این پیشنهاد هائی را که بنده ملاحظه کردم همه در روی يك زمینه است چون این نظر ها در پیشنهاد آقای مدرس تأمین شده است و باید این دو ماده را تغییر داد استدعا میکنم این دو ماده را با پیشنهادات ارجاع کنید به کمیسیون تا در آنجا مذاکره شود و فعلا در ماده پنجم مذاکره بعمل آید

دادگر - بنده مخالفم.

رئیس - مخبر میتواند این نقاضا را بکند.

دادگر - اجازه میفرمائید ؟

رئیس - بفرمائید.

دادگر - بالاخره رفتن پیشنهاد ها به کمیسیون قبل از اینکه عقیده و نظر مجلس معلوم شود کار عبثی است بنظر بنده باید پیشنهاد ها خوانده شود و توضیح داده شود که کمیسیون در آئیه طوری این ماده را تنظیم کند که دو مرتبه مواجه با پیشنهاد های مختلف نشود بنده از آقای مخبر نقاضا میکنم که بگذارند پیشنهاد ها خوانده شود و در او بحث شود آنوقت ارجاع شود بکمیسیون

رئیس - این حقی است که آقای مخبر دارند

مخبر - خود بنده استدعا میکنم بخوانند

رئیس - پیشنهاد آقای مرآت اسفندیاری

(بشرح ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم تبصره اول ماده ۳ حذف شود

رئیس - آقای اسفندیاری

مرآت اسفندیاری - بنده تصور میکنم این تبصره تمامش ضرر برای دولت است و جز تولید زحمت در این تبصره چیزی نیست از این جهت بنده پیشنهاد حذفش را کردم

رئیس - آقای ملك مدنی

ملك مدنی - این تبصره بنظر بنده خیلی مفید است برای اینکه املاکی که مسلوب المنفعه هستند چه ضرر دارد که يك اشخاصی بروند و آن املاك را آباد کنند و بعد از پنجسال يك مالیات اربانی بدهند ؟ الان بدون اینکه دولت يك غایده ببرد این املاك مانده است و گمان میکنم این نظر حضرتعالی مورد ندارد خوب است حضرتعالی هم موافقت بفرمائید.

رئیس - رأی میگیریم به این پیشنهاد آقایانی که

قابل توجه میدانند قیام فرمایند

(چند نفری قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهاد آقای دهستانی

(بمضمون ذیل خوانده شد)

پیشنهاد میکنم در ماده سوم به آخر تبصره ۲ اضافه شود: و مقصود از عایدات خالص عوایدی است که پس از وضع بند و خرج قتائی و بنائی و حقوق مباشر به مالك عائد میگردد.

رئیس - آقای دهستانی

دهستانی - عرض کنم در این لایحه بقدری حلاجی میشود که بنده میترسم اصلا از کمیسیون دیگر برنگردد اگر آقایان اجازه بدهند يك مختصری هم بنده عرض کنم که حالا که ماده به کمیسیون میرود نظریات همه معلوم باشد. آقای مدرس يك فرمایشانی فرمودند که این املاك را بشرط داده اند و حالا اگر به آن شرط عمل نمیکنند املاك را واگذار کنند یا اینکه يك اصولی را قرار می دهیم که بیابند آن اضافه مالیات را بعد از وضع مالیات اربانی نومان پنج تومان تعبیر کنند. آقایان باید تصدیق بفرمایند که این املاکی را که دولت به مردم داده است با يك جزء جمع معینی داده است و حالا هیچ دلیل ندارد که عایدی مسلم خودش را که نومان ده تومان قیمت دارد بیابند نومان پنج تومان بدهند. آقایان باید تصدیق بفرمایند که اگر ما

بخواییم شش دانگ ملك خالصه انتقالی را سه دانگش را هم بگوئیم مال مالکی که متصرف است و سه دانگش را هم از برای دولت قائل شویم آن وقت بیائیم نومان پنج تومان قرار بگذاریم یعنی از سه دانگ هم يك دانگ ونیم آزا به مالك بدهیم قطعاً بدانید که دولت با این طرح یا لایحه موافقت نخواهد کرد. شما می خواهید يك کاری بکنید که اسباب آسایش مردم بشود و از مضیق و فشار بکه دارند مستخلص شوند ولی دلیل ندارد که بکصد خرواری را که دولت همساله میگیرد این صد خردار را پنجسال بیاید بگیرد این ممکن نمیشود و پیشرفت نمیکند. این پیشنهاد

قانون

اجازه مصرف ده هزار تومان برای مخارج طبع و حق الزحمه ترجمه قوانین و تهیه و طبع لایحه قانون مدنی

مصوب بله ۸ اسفند ماه ۱۳۰۶ شمسی

ماده واحده - وزارت مالیه مجاز است مبلغ ده هزار تومان از محل عایدات موجوده نعهد شده سنه ۱۳۰۶ برای مخارج طبع و حق الزحمه ترجمه قوانین لازمه و حق الزحمه تهیه و طبع لایحه قانون مدنی مطابق تشخیص و درخواست وزیر عدلیه مصرف نماید.

این قانون که مشتمل بر يك ماده است در جلسه لیله هشتم اسفند ماه یکهزار و سیصد و شش شمسی بتصویب مجلس شورای ملی رسید.

رئیس مجلس شورای ملی : حسین پیر نیا

به کمیسیون مبرود ولی آقا باید تصدیق فرمایند که دولت تا این درجه حاضر نخواهد شد بعضی از نمایندگان (با همهمه) - نشود (صدای زنگ رئیس)

دهستانی - اجازه فرمائید . و اما راجع به پیشنهاد خود بنده . عرض کنم که در اینجا در لایحه عایدات خالص را درست معین نکرده اند و با این حال مأمورین دولت يك جزر و مدی به این مسئله خواهند داد ، مالك میگوید خرج کدخدا هم جزء خرج است . ولی خرج قنات و فلان را شاید مأمور دولت قبول نکند پس بهتر این است که در این تبصره توضیح داده شود که عایدات خالص بعد از وضع چه خرجی است . بنده پیشنهادی که تقدیم کرده ام این است که عایدات خالص بعد از وضع خرج بذر و خرج بنائی و خرج قنائی و حقوق مباشر است و بعد از وضع اینها هر چه باقی میماند عایدات خالص است .

رئیس - آقاى مخبر ؟

مخبر - آقای دهستانی در توضیحات اولیه زمینه را برای پیشنهاد خود شان حاضر کرده اند حالا مجلس رأی خواهد داد .

رئیس - رای میگیریم . آقابانیکه این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام فرمایند

(عده کمی برخاستند)

رئیس - قابل توجه نشد . پیشنهاد آقای دادگر (بنحو ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم قسمت اولی ماده ۳ این طور نوشته شود حد اکثر مالکات را در املاک خالصه انتقالی اصف عوائد خالص مالکانه میتوان فرض و بطریق ذیل عمل نمود :

که از هر يك از مالکین املاک مزبور که از زبادی

مالیات فعلی ملك خود شکایت داشته باشد

رئیس - آقای دادگر

دادگر - عرض کنم که . خاطر آقایان مطلع است که غالباً از عبارات ما در کارهای خوب بهانه جوئی میشود و در کارها اشکال تراشی میکنند و بطرف اشکال میروند این عباراتی را که ما در این جا نوشته ایم که : حد اکثر مالیات در املاک خالصه انتقالی نصف عوائد خالص مالکانه است ممکن است اینطور تلقی شود و آن کسی که در این کار نظارت میکند بگوید که صدی پنجاه قدر مسلم است و فرض مسلمی است و حال آنکه این فقط حد اعلاى عایدی است و نظر کمیسیون در این بوده است که این را میتوان مقیاس فرض نمود و این را ملک قرار دهند ، اگر بالاست تا این حد پائین بیاورند و اگر پائین تر است همان مقداری که هست گرفته شود و اگر این مسئله را جنبه فرضیش را فکر نکنیم و بطور قطع بگوئیم ممکن است در آنیه برای کسانی که دچار در اینکار هستند اسباب زحمت ایجاد کند . پس در آن پیشنهاد آقای مدرس که طرف توجه واقع شد بنده پیشنهاد میکنم که در پیشنهاد آقا در مقدمه اش اینطور نوشته شود که : عنوان صدی پنجاه را فرض کنند نه اینکه يك اصلی باشد و در يك موردی بیایند آنرا ملک قطعی قرار دهند .

مخبر - این اصلاح عبارتی را که آقای دادگر فرمودند در کمیسیون در نظر گرفته خواهد شد و حالا که در پیشنهاد خودشان توضیح دادند بطور قطع شما میکنم همالطور که اقتضا کردم ماده با پیشنهادات بکمیسیون مراجعه شود .

بعضی از نمایندگان - ختم جلسه

رئیس - جلسه ختم میشود ماده هم بکمیسیون مراجعه میشود .

(مجلس شش ساعت و نیم از شب گذشته ختم شد)